

دکتر الین فیلیپس، مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس، جلسه یازدهم، آسیای صغیر و یونان

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر الین فیلیپس و تدریس او در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس هستم. این جلسه یازدهم، آسیای صغیر و یونان است.

در این مرحله، ما در حال حرکت به دور از سرزمین بین آنها هستیم.

ما وقت خود را آنجا گذرانده‌ایم و قصد داریم مدیترانه شرقی را نیز بررسی کنیم. ناگفته پیداست که تمرکز ما در این برهه بسیار گسترده‌تر خواهد بود.

کاری که واقعاً می‌خواهیم انجام دهیم این است که به کتاب اعمال رسولان نگاهی بیندازیم و به طور خاص بر سفرهای پولس، سفرهای تبلیغی اول، دوم و سوم، تمرکز کنیم، زیرا می‌توانیم آنها را در برخی از مکان‌هایی که مهم هستند، ببینیم. با این حال، سه فصل اول مکاشفه نیز وجود دارد که می‌خواهیم حداقل کمی از آنها بازدید کنیم و به برخی از مکان‌های مرتبط با آن منطقه نگاهی بیندازیم. بنابراین، آسیای صغیر و یونان نوعی روش کلی برای بیان انواع چیزهایی است که قرار است به آنها پردازیم.

بدیهی است که ما باید تمرکز معمول خود را روی یک نقشه انجام دهیم. و بنابراین، این نقشه‌ای است که اکنون با آن بسیار آشنا هستیم. ما زمان زیادی را اینجا گذرانده‌ایم.

- حالا، به یاد دارید که از قیصریه - که روی این نقشه نیست، اما درست زیر جایی است که نوشته شده مجدو انجیل منتشر می‌شود. و انجیل فرار است به منطقه ما، جایی که ما آن را ترکیه امروزی می‌شناسیم، بسیار فراتر از آن، به جایی که ما آن را یونان می‌شناسیم، و سپس در نهایت به روم، منتشر شود. از نظر جغرافیایی، ابتدا می‌خواهیم توجه داشته باشیم که اینجا آناتولی است.

قبلاً وقتی در مورد سرزمین‌های بین النهرین صحبت می‌کردیم، تمرکز زیادی روی امپراتوری‌های مختلف اینجا در بین النهرین یا سلسله‌های مصری در این زمینه داشتیم. ما زمان زیادی را صرف صحبت در مورد آناتولی نکردیم، اما اکنون می‌خواهیم کمی بیشتر روی توصیف جغرافیایی کلی تمرکز کنیم. و سپس با توجه به اینکه نام برخی از امپراتوری‌ها در اینجا وجود دارد، می‌خواهیم به چند نکته تاریخی در مورد هیتی‌ها و کره‌ای‌ها اشاره کنیم.

خب، این کاریه که قراره چند دقیقه دیگه انجام بدیم. می‌خوام با پهنه‌های آبی که این منطقه از آناتولی رو احاطه کردن شروع کنم. می‌تونید فلات مرکزی آناتولی رو ببینید.

بدیهی است که این دریای مدیترانه است. نیازی نیست که آن را برای خودمان تعریف کنم. اما بیایید به برخی دیگر پردازیم زیرا آنها ظاهر می‌شوند، به خصوص در مورد چیزهایی که باید هنگام سفر پولس و دیگران از آنها عبور کرد یا دور زد.

بنابراین، در اینجا، اول از همه، دریای اژه، ساحل غربی آسیای صغیر را از آنچه که معلوم می‌شود یونان یا الوس است، جدا می‌کند. این مهم است. دومین چیزی که می‌خواهیم به آن توجه کنیم، تنگه هلسپونت است که اساساً پلی به الوس است.

پلی به سمت الوس ، و این درست همین جا خواهد بود .اگر تاریخ خود را بدانید، تاریخ جدیدتر از نظر برخی از نبردهای بزرگ که رخ داده است، اتفاقات غم‌انگیزی را که در گالیپولی و داردانل رخ داده است، می‌دانید .اما ما اکنون در آن مسیر حرکت نمی‌کنیم

ما همچنین دریای مرمره، یک پهنه آبی کوچک در آنجا را داریم .تنگه بسفر را اینجا داریم و در نهایت، دریای سیاه را اینجا .بنابراین، از نظر پهنه‌های آبی که جنوب، مدیترانه، غرب و سپس شمال آناتولی را احاطه کرده‌اند، قابل توجه است

بباید کمی از نظر توپوگرافی با استفاده از همان نقشه اما اکنون با تمرکز بر توده‌های خشکی، بررسی کنیم .در شمال، کوه‌های پونتیک را داریم .به یاد داشته باشید که اصطلاح پونتوس چندین بار در عهد جدید ظاهر می‌شود، بنابراین کوه‌های پونتیک خود را در امتداد ساحل شمالی داریم

ما اینجا رشته کوه دیگری به نام کوه‌های توروس داریم که هم در جنوب و هم تا حدودی در شرق امتداد دارند .در مرکز، منطقه فلات مرتفع بالایی ما قرار دارد .و بعد چند چیز دیگر

کوه آرارات و کوه‌های دیگر نیز حضور خواهند داشت .و سپس، فقط یک نکته در مورد رودخانه‌ها، چیزی شبیه به نیل در مقیاس کوچک‌تر، رودخانه‌های اصلی ما یا به سمت شمال یا به سمت غرب جریان دارند و این رودخانه‌ها در اینجا اهمیت زیادی خواهند داشت، به خصوص در مورد برخی از شهرهایی که قرار است در مورد آنها صحبت کنیم

،بنابراین، ما هم آب‌های اطراف این منطقه و هم توپوگرافی آن را داریم .بباید کمی در مورد نوع تاریخ و دوباره فقط به طور خلاصه، تاریخ گروه‌های مردمی و امپراتوری‌هایی که یا این منطقه را کنترل می‌کردند یا قطعاً از آن به عنوان یک راهرو استفاده می‌کردند، صحبت کنیم .ما می‌خواهیم آن را به عنوان یک راهرو نیز در نظر بگیریم

بنابراین، اولین گروه ما امپراتوری هیتی است .حال، ما وقتی در مورد درگیری‌ها، به ویژه بین مصر و هیتی‌ها صحبت کردیم، با اصطلاح هیتی‌ها مواجه شدیم، زیرا ممکن است به یاد داشته باشید که ما معاهدات هیتی‌ها را داریم که منعقد شده‌اند .نئوهیتیت‌ها در اینجا مهم خواهند بود؛ معاهدات هیتی‌ها با مصر، که برخی از آنها از نظر درک ما از اشکال معاهده و اشکال پیمان بسیار مهم هستند

این خودش یک سخنرانی دیگر است .اما به آن تاریخ‌ها توجه کنید، به خصوص شکوفایی حدود ۱۴۰۰ تا که ارتباطات بسیار جالبی بین قوم اسرائیل و عهد و پیمان‌ها دارد .در بخش دوم، ما تعدادی گروه قومی، ۱۲۰۰ داریم، فریگیه، تراکیه و امپراتوری آشور قدیم

اینجا دوران پراشویی است .فقط به یک نکته توجه کنید .حدود پنج سخنرانی پیش، مطمئنم همه ما آن را به خاطر داریم، من اشاره کردم که حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد، اتفاقی در این منطقه در حال رخ دادن بوده که ما کاملاً آن را درک نمی‌کنیم

این باعث از بین رفتن دوره برنز متاخر، چیزهای فاجعه‌باری شد .و توجه داشته باشید که آن تاریخ نیز در اینجا، از نظر توقف این و برخی مشکلات برای مدتی، خود را نشان می‌دهد .پس از آن، گروهی به نام هوری‌ها داریم

به نظر می‌رسد که آنها از مناطق دیگر مهاجرت کرده‌اند. این جای تعجب ندارد. این اتفاق در این مکان‌ها زیاد می‌افتد، جایی که شما دائماً در حال حرکت مردم به مناطقی هستید که مهمان‌نوازتر یا ثروتمندتر به نظر می‌رسند و غیره.

با توجه به درگیری‌ها با هیتی‌ها، اگر به نقشه اول برگردید، هر دو نام هیتی و هوری را در آن منطقه آناتولی می‌بینید. این دو نام، اگر بخواهیم آنها را به عنوان تشابه با تاریخ دوره عهد عتیق در نظر داشته باشیم، این دو نام هستند. با نگاهی به ترتیب زمانی، یکی از مواردی که در بخش پایانی عهد عتیق می‌بینیم، به ویژه نام‌هایی که به عنوان حاکمان پارسی آمده‌اند، از نظر بازگرداندن قوم اسرائیل، ببخشید، یهودیان، به سرزمینشان مهم هستند، داریوش و خشایارشا را می‌بینیم.

اما آنها نه تنها از نظر روایت‌های کتاب مقدس مهم هستند، بلکه همانطور که هرودوت، مورخ هرودوت، را می‌خوانیم، می‌بینیم که آنها قصد دارند از کل منطقه آناتولی به عنوان کریدوری برای حرکت به یونان و تمام درگیری‌های باورنکردنی که در آن منطقه رخ داده است، استفاده کنند. جهت تغییر می‌کند و بعداً، با شروع از فیلیپ مقدونی و البته اسکندر کبیر، جهت عبور از آناتولی از غرب به شرق خواهد بود. ابتدا، یونانیان، و بعداً رومی‌ها، به آرامی راه خود را از طریق آناتولی باز کردند تا سعی کنند کل شام، مرز شرقی مدیترانه و فراتر از آن را فتح کنند. این یک مرور سریع از تاریخ است.

بیاید اکنون به برخی از مناطق، آنطور که در قرن اول ظاهر شدند، به ویژه نام مناطق و استان‌ها، بپردازیم. به زودی به شهرها برمی‌گردیم و من هیچ فلش یا دایره‌ای روی نقشه قرار نمی‌دهم زیرا خوشبختانه این شهرها برجسب‌گذاری شده‌اند. بنابراین در اینجا جزیره قبرس را می‌بینیم که از نظر اولین سفر تبلیغی پولس اهمیت دارد، بنابراین به آن باز خواهیم گشت.

همچنین می‌بینیم که غلاطیه درست در اینجا نامگذاری شده است. در گذشته بحث‌هایی در مورد مرزهای دقیق غلاطیه وجود داشته است، اما من در حال حاضر وارد آن بحث نمی‌شوم. ما می‌خواهیم به آسیا بپردازیم و به یاد خواهیم داشت که در دومین سفر تبلیغی پولس، از رفتن او به آسیا جلوگیری شد، که او را از طریق هلسپونت به جایی که اساساً اروپای جنوبی شرقی است، سوق می‌دهد.

مقدونیه، این منطقه اینجا، و بنابراین ما فیلیپی را داریم که به نام فیلیپ مقدونی نامگذاری شده است. کمی بعد به آن شهرها برمی‌گردیم. اخائیه نام دیگری برای یونان است.

متوجه خواهید شد که یونان در پرناتز است، اما در آن برهه از زمان، اخائیه نام منطقه‌ای ما خواهد بود. و سپس، اگرچه اینجا به صورت چاپی ذکر نشده است، شبه جزیره پلوپونز همین منطقه است، و همانطور که می‌بینید، کورینت، همانطور که در یک لحظه به شهرها برمی‌گردیم، کورینت در مکانی بسیار استراتژیک بین شبه جزیره پلوپونز و یونان یا اخائیه قرار دارد. باید بگوییم که این تنگه، با برجسب ما در اینجا، مبهم یا پوشیده شده است، اما بدیهی است که اگر یک شبه جزیره بزرگ و یک توده زمین بزرگ داشته باشید، آن چیز کوچک اتصال دهنده، یک پل بسیار مهم است.

به آن تنگه می‌گویند، و ما به شهرهای دو طرف آن باز خواهیم گشت، کنخریا و اخائیه، و اینکه آنها، به همراه قرن‌تس، از نظر سیاست، مذهب، سفر، تجارت و غیره چقدر مهم هستند. بیاید کمی با شهرها کار کنیم. همان نقشه، و این بار باید برخی از این شهرها را که روی این نقشه مشخص نشده‌اند، اینجا قرار دهیم.

از شرق که شروع کنیم، انطاکیه در سوریه را داریم. اگر طرح کمی خوب باشد، اینجا است. انطاکیه، که در کنار رود اورونتس نیز انطاکیه نامیده می‌شود.

در این دوره زمانی، حدود ۱۶ انطاکیه وجود داشت. ما با خواندن مطالب کتاب مقدس، دو مورد از آنها را می‌شناسیم؛ این انطاکیه است. طبق اعمال رسولان فصل ۱۱، مؤمنان ابتدا مسیحی نامیده می‌شدند و سپس یک انطاکیه در پیسیدیه وجود دارد، انطاکیه پیسیدیه اینجا

اما فقط آنها را به عنوان یک گروه کامل در نظر بگیرید، زیرا بدیهی است که نام آنها از آنتیوخوس، یکی از نام‌های دودمانی این نوادگان سلسله سلوکی، گرفته شده است. آنتیوخ در سوریه، اولین مورد است. افسس می‌توانید آن را اینجا ببینید.

همانطور که می‌دانیم، آن نیز بسیار مهم خواهد بود، نه تنها به عنوان گیرنده یکی از نامه‌های پولس، بلکه به عنوان یکی از کلیساهای کتاب مکاشفه و مکانی که او مدتی را در آن گذرانده است. به همین ترتیب، کولسیه را داریم که در یکی از نامه‌ها گیرنده بوده و مکانی مهم است. سارد روی نقشه نیست، اما تقریباً همانجاست

همانطور که اشاره کردیم، از آنجایی که ما این مکان را به عنوان یک راهرو در نظر می‌گیریم، ساردیس یکی از مکان‌هایی است که در کتاب هرودوت از تلاش ایرانیان برای عبور از فلات آناتولی، عبور از تنگه هلسپونت و سپس مقابله با یونان صحبت شده است. بنابراین، ساردیس از این نظر مهم است. تروآس، فلش قرار است تقریباً موقعیت تروآس را نشان دهد.

پولس مدتی را در آنجا خواهد گذراند، و او نیز از تروآس عبور خواهد کرد، و به مقدونیه نیز خواهد رفت. فیلیپی، همانطور که می‌بینید، قبلاً به آن اشاره کردیم، به نام فیلیپ، پدر اسکندر کبیر. کمی به سمت غرب و جنوب که برویم، تسالونیک را داریم، و کمی در جنوب تسالونیک، شهری که در کتاب اعمال رسولان از آن نام برده شده است، یعنی بیریه.

ما آن افراد فوق‌العاده‌ای را در بیریه داریم که در کتاب مقدس جستجو می‌کنند زیرا می‌خواهند بدانند که آیا آنچه پولس می‌گوید درست است یا خیر. بنابراین، حتی وقتی که ما این شهرها را یادداشت می‌کنیم، متوجه یک گروه‌بندی بسیار خوب در اطراف دریای اژه، مکان‌های مهم، می‌شویم. آتن روی نقشه نیست، اما درست بالای جایی که نوک پیکان قرار دارد، درست است؟ بنابراین، قرنتس را بگیرید و کمی به سمت شمال شرقی بروید.

نمی‌خواستم خود قرنتس را نادیده بگیرم. در نهایت، همانطور که گفتم، شهر قرنتس از نظر استراتژیک در آن تنگه قرار دارد. بدیهی است که وقتی به فهرست شهرها نگاه می‌کنید، مطمئناً چیزهای زیادی برای فکر کردن داریم، به خصوص در مورد کتاب اعمال رسولان.

خب، یک نکته‌ی کوتاه در مورد اینکه چطور می‌خواهیم در مورد سفری در کتاب اعمال رسولان فکر کنیم. فکر می‌کنم قبلاً در یکی از آن سخنرانی‌ها به این موضوع اشاره کرده‌ام. شرط می‌بندم که در رابطه با محل قیصریه بوده است.

اما وقتی کتاب اعمال رسولان را می‌خوانیم، تمرکز اصلی در آنجا بر این است که نشان دهیم چگونه انجیل، با قدرت روح‌القدس، به اقصی نقاط زمین خواهد رسید. و البته، به زبان لوقا، منظور روم است. و بنابراین، این توصیفی از سفر انجیل در آن جهت خواهد بود.

فصل‌های ۱ تا ۱۰ کتاب اعمال رسولان به انجیل در داخل سرزمین مقدس می‌پردازد. بنابراین، ما قبلاً در مورد برخی از این موارد صحبت کرده‌ایم. ما در مورد قیصریه و کرنلیوس در قیصریه، و غیریهودیان در داخل سرزمین مقدس صحبت کرده‌ایم.

ما درباره بخش‌هایی از سامره و جوامع یهودی هلنیستی صحبت کرده‌ایم. به برخی از این موارد اشاره کرده‌ایم. اما اکنون، برای اهداف خودمان، می‌خواهیم به فراتر از آن سرزمین برویم.

فصل ۱۱، انطاکیه و سوریه، همین الان به آن اشاره کرد. و می‌دانید، گاهی اوقات آن اصطلاح انطاکیه، انطاکیه در کنار رود اورونتس، انطاکیه در سوریه، برای ما خیلی معنی ندارد.

اما باید بدانیم که همزمان با پیشروی روم در کل منطقه مدیترانه شرقی، انطاکیه در واقع محل تمرکز آنها بود. بله، جنگل، پایتخت روم در جلیل بود، اما این منطقه تحت کنترل انطاکیه به خوبی طبقه‌بندی شده بود. انطاکیه پس از روم و اسکندریه، سومین شهر بزرگ امپراتوری روم بود.

بنابراین، ما در مورد یک مکان بسیار بزرگ صحبت می‌کنیم. هیروودیس کبیر چیزهایی را در آنجا ساخت. جولیوس سزار در ساخت مناطقی از انطاکیه بسیار نقش داشت.

انطاکیه مکان مهمی است. در اینجا گروه‌هایی از مؤمنان را داریم که برای اولین بار در آن زمینه مسیحی نامیده می‌شوند. بنابراین، بیایید ابتدا با در نظر گرفتن برخی از آن شهرها و آنچه کتاب اعمال رسولان به ما می‌گوید، بر پولس تمرکز کنیم.

پس از اشاره فصل ۱۱ به مسیحیان، اولین سفر تبلیغی به قبرس و کلیساهای غلاطیه را داریم. در ادامه به یک نقشه نگاهی خواهیم انداخت - در واقع دو نقشه. این در مقایسه با سفرهای دوم و سوم خیلی گسترده نیست.

اما حداقل آنها به آن سوی سرزمین می‌روند. دوم، از تروآس، آنها از تمام فلات آناتولی تا تروآس عبور می‌کنند و سپس از مقدونیه عبور می‌کنند، از تسالونیک، بیریه، به آتن و قرنتس می‌روند. بنابراین، یک سفر تبلیغی دوم بسیار گسترده‌تر است.

و سپس سفر سوم بشارتی، برخی مراحل را دوباره طی خواهد کرد، اما این بار برای مدت زمان زیادی در افسس فرود خواهد آمد. به یاد دارید که لحظه‌ای پیش نقل کردم، در اصل بخشی از آن سفر دوم بشارتی، از رفتن پولس به آسیا جلوگیری شد. در سفر سوم بشارتی، او مطمئناً مدتی را در آنجا خواهد گذراند.

و سپس پس از دستگیری در اورشلیم و گذراندن چند سال در زندان قیصریه ماریتیم، به روم منتقل می‌شود. و این نقل قول است، و ما به روم رفتیم. به عبارت دیگر، همانطور که در باب ۱۸ اعمال رسولان آمده است، به اقصی نقاط زمین.

خب، بیایید نگاهی به نقشه بیندازیم و ببینیم این برای ما چه فایده‌ای دارد. آنها بعد از دعا، انطاکیه را ترک می‌کنند. به قبرس می‌روند و سپس به اینجا می‌آیند و کمی از طریق پامفیلیه و سپس به شهرهایی که در این بخش از غلاطیه ظاهر می‌شوند، تغییر مسیر می‌دهند.

ما به لیستره، دربه، پیسیدیان، انطاکیه و ایقونیه اشاره می‌کنیم که اساساً اولین سفر مبلغین است. در اینجا همانطور که گفتم، بحث بسیار گسترده‌تری را مطرح می‌کنیم.

یادتان هست که ما یک شورای اورشلیم داریم. و بعد از شورای اورشلیم، پولس و همراهانش نامه‌ها را تحویل می‌دهند. بنابراین، آنها برمی‌گردند و از این شهرهایی که از قبل می‌شناسند، دوباره بازدید می‌کنند.

اما بعد از آن، آنها سفرهای نسبتاً بزرگی انجام می‌دهند. باز هم، از رفتن به آسیا منع می‌شوند. بنابراین، تقریباً در اطراف آن به مکانی به نام تراس می‌روند.

اینجا جایی است که آنها این رؤیا را از مرد مقدونی می‌بینند. برخی فکر می‌کنند که ممکن است لوقا باشد که آنها را به آمدن فرا می‌خواند. بنابراین، آنها به آنجا می‌روند و مدتی را در آن می‌گذرانند.

کمی بعد نگاهی کوتاه به آتن خواهیم انداخت. مدتی را در قرنتس خواهیم گذراند و سپس برمی‌گردیم. در نهایت، به پایان دومین سفر بشارتی خواهیم رسید.

همانطور که از آسیا، یا ببخشید، باید بگوییم آناتولی، عبور کردند، از هلسپونت عبور کردند، همانطور که گفتم، راه خود را به سمت مقدونیه و آن شهرها، آتن و در نهایت، این دو شهری که هم‌مرز شرق و غرب هستند، ادامه دادند. سنخریا در سمت شرقی برزخ، لیکئوم در سمت غربی.

ضمناً، الان یک کانال از آنجا رد می‌شود که خیلی کمک می‌کند که مجبور نباشیم دور بزنیم. فکر می‌کنم رومی‌ها اولین کسانی بودند که سعی کردند این کار را انجام دهند. پس، این موضوع به خیلی قبل برمی‌گردد.

فقط چند عکس برای اینکه کمی از ساختمان‌های شیک، خوب، بیش از شیک، مجلل و باشکوه به ما حس بدهند. اینجا بقایای فروم در فیلیپی است. خوب، دوباره، به مسیر سفرهایمان پس از عبور از هلسپونت فکر می‌کنیم.

پس از آن، فیلیپی و تسالونیک و بیریه خواهند آمد. هیچ تصویری از آنها وجود ندارد، اما در اینجا تصویری از این ستون‌ها که پابرجا مانده‌اند، آورده شده است. سپس آنها راه خود را به سمت آتن ادامه می‌دهند.

و اوه، خیلی چیزها می‌توان در این مورد گفت، اما در این لحظه به آنها نمی‌پردازیم. فقط توجه داشته باشید که ما در مورد آکروپولیس با پارتنون و مجموعه‌ای کامل از ورودی‌ها، پروپیلایا اینجا، معبد آنجا و یک مجموعه تئاتر کامل در اینجا صحبت می‌کنیم. بنابراین، این یک سازه شگفت‌انگیز است.

و این چیزی که، البته، خوب، متأسفانه، صدها سال پیش در آنجا مهمات انبار می‌کردند، بنابراین بخشی از آن منفجر شد. اما آن را به عنوان یک سازه کامل در یک نقطه تصور کنید. من یک نسخه کوچکتر از آن را به شما نشان خواهم داد.

و سپس در دوردست، که به لطف لنز تله فوتو کمی نزدیک‌تر شده است، لا کابیتوس با کلیسای در بالای آن قرار دارد. وقتی پولس در آتن باشد، خطبه‌ای بسیار مهم ایراد خواهد کرد. خطبه‌ای در آرتوپاگوس یا تپه مارس.

با ایستادن روی آن، در واقع، این روزها وقتی آنجا هستید می‌توانید کل شهر آتن را ببینید، جمعیت زیادی را می‌بینید، و می‌توانید رونوشتی به زبان یونانی از بخشی از خطبه اعمال رسولان باب ۱۷ را ببینید که در آن او از خدای ناشناخته صحبت می‌کند و خطبه‌ای فوق‌العاده در مورد چگونگی شناخت آن خدا ایراد خواهد کرد. من می‌خواهم فقط به طور خلاصه از موقعیت بالای آن تپه، که اکنون تپه مریخ نامیده می‌شود، به بخشی از میدان، همین حوالی، و یک سازه کوچک که عموماً تسیون نامیده می‌شود، نگاه کنم. فکر می‌کنم اگر درست به خاطر بیاورم، معبدی برای هفائستوس است.

اما به ساختار آن توجه کنید. تقریباً همان ساختار در یک نسخه بسیار مینیاتوری از پارتنون است. ضمناً، پارتنون قرن‌هاست که پابرجاست.

فکر می‌کنم داریم درباره ساخت‌وساز قرن پنجم صحبت می‌کنیم. بنابراین، قرن‌ها قبل از اینکه پولس به آنجا برسد، آنجا ایستاده‌ایم. و البته، تمام گفتمان‌های فلسفی آتی و غیره در آن زمینه جریان دارد.

قرن‌تس، ما می‌خواهیم نگاهی سریع به این موضوع بیندازیم، زیرا در قرن‌تس یک شهر بزرگ در پایین داریم، اما سپس یک گورستان در اینجا وجود دارد، و بنابراین ما در آن مکان مراسم عبادت برگزار می‌کنیم. این مکانی است که به آن پما می‌گویند، یک مکان مرتفع، یک تریبون، اگر بخواهید، یک تریبون بزرگ که ممکن است از آنجا داوری‌ها ارائه شده باشد. و بنابراین، اگر کسی را دارید، مثلاً یک فرماندار که نامش شاید گالیو باشد، در اعمال رسولان فصل ۱۸ به آن اشاره شده است، که نوعی حکم یا چیزی شبیه به آن را صادر می‌کند، احتمالاً از این مکان عمومی که چنین اتفاقی در آن رخ داده است.

معبد آپولو اینجا است، فقط نگاهی دیگر به یکی از چیزهای بسیار متفاوتی که آنجا وجود دارد. و سپس یکی از آن یافته‌های جذاب از نظر باستان‌شناسی به ما این امکان را می‌دهد که نوعی جدول زمانی برای وقایع کتاب اعمال رسولان تعیین کنیم. ما در اعمال رسولان فصل ۱۸، اشاره‌ای به او با نام داریم.

این کتیبه، که اتفاقاً به زبان یونانی نوشته شده است، احتمالاً به نظر می‌رسد رونوشت یا رونویسی از فرمانی باشد که توسط امپراتور روم در آن برهه از زمان صادر شده است. بنابراین این کمی به ما کمک می‌کند. اگر درست به خاطر بیاورم، در شش قطعه است، اما این کمی به ما کمک می‌کند تا تاریخ را درک کنیم: ۵۱۵۲ میلادی چیزهای زیادی برای گفتن وجود دارد، اما باید به همراه پولس به سومین سفر تبلیغی خود ادامه دهیم.

بنابراین، این بار، همانطور که پولس را داریم، او دوباره و دوباره بازدید خواهد کرد و این بار به افسس خواهد رفت. حال، تعاملاتی بین ما وجود داشته است. اگر فصل ۱۸ کتاب اعمال رسولان را بخوانید، می‌دانید که در غیاب او، شخصی به نام آپولوس را داشتیم که در اسکندریه آموزش دیده بود.

او آنجا بوده، و همینطور و همینطور، و دوباره به قرن‌تس برگشته است. اما پولس در افسس خواهد بود. و بعد هم نامه‌هایی رد و بدل شده با قرن‌تس.

من قصد ندارم وارد تمام مکاتباتی که آنجا اتفاق می‌افتد شوم. فقط کمی به افسس نگاه کنید، چون می‌خواهم چند نکته را در رابطه با فصل ۱۹ اعمال رسولان و اقامت پولس در افسس ذکر کنم. ضمناً، خیابان کیرتوس نام دیگری برای کاهنان است.

و به نظر می‌رسد که این خیابان، خیابانی برای برگزاری مراسم مذهبی و انواع و اقسام چیزهای مذهبی بوده است. انواع و اقسام فعالیت‌ها از جمله معابد، فواره‌ها و غیره در امتداد این خیابان انجام می‌شد. و سپس در انتهای آن، جایی قرار دارد که به عنوان کتابخانه شناخته می‌شد، کتابخانه سلسوس.

البته افسس جمعیت بسیار زیادی داشت و تخمین‌ها حاکی از آن است که شاید، این یک تخمین است، چیزی در حدود ۱۲۰۰۰ جلد کتاب در این کتابخانه خاص در حال حاضر ذخیره شده باشد. برای ما مهم‌تر این است که گردشگرانی از این مکان‌ها عبور می‌کنند، اما تئاتر افسس برای ما مهم‌تر خواهد بود. و شاید به یاد داشته باشید وقتی به تئاتر اسرائیل در بیت شان نگاه کردیم، به شما پیشنهاد دادم که تعداد تخمینی شرکت‌کنندگان می‌تواند ۷۰۰۰ نفر باشد و می‌تواند حدود ۷۰۰۰ نفر را در خود جای دهد.

اینجا در تئاتر افسس هستیم، و این تنها تئاتر نیست، اما احتمالاً بزرگترین تئاتر است که همانطور که می‌بینید، برای ۲۴۰۰۰ نفر گنجایش داشته است. بنابراین، این یک تئاتر عظیم است. و به یاد داشته باشید که تئاترها به عنوان مکان‌های تجمع عمومی، اغلب برای تبلیغات و اغلب برای اهداف سیاسی استفاده می‌شدند.

و البته ما یک گردهمایی داریم، که در فصل ۱۹ اعمال رسولان ثبت شده است، از افرادی که کمی ناراحت هستند زیرا کل پرستش آرتمیس آنها با آمدن انجیل تقریباً تضعیف و واژگون شده است. می‌توانید آن متن فصل ۱۹ اعمال رسولان و شرح آنچه در این زمینه اتفاق می‌افتد را بخوانید. مکان دیگری که می‌توانیم در میلیتوس به آن نقل مکان کنیم، بسیار نزدیک به جایی است که افسس قرار دارد.

یک تئاتر دیگر آنجاست. اشاره به میلیتوس در اعمال رسولان، فصل ۲۰، به ما کمک می‌کند تا سرنخی از مکان آن پیدا کنیم. این نمای بیرونی تئاتر است، اما من می‌خواهم روی چیز دیگری که در این تئاتر پیدا شد تمرکز کنم.

و ما خواهیم دید، شاید برای بعضی از ما خیلی واضح نباشد، اما بگذارید فقط پیشنهاد کنم که اگر یونانی می‌خوانید، می‌توانیم روی این کلمه تمرکز کنیم که به معنی و است، درست است؟ و، و بعد این از آن، و اینجا حرف من را قبول کنید، یهودیان، از یهودیان، و تئوسبیس اینجا، از خداترسان است. و بنابراین، به نظر می‌رسد، و سپس در اینجا کلمه‌ای وجود دارد که خواندنش بسیار، بسیار دشوار است، اما به نظر می‌رسد چیزی در مورد مکان است. و بنابراین پیشنهاد این است که، در میان تمام علف‌هایی که از اینجا و غیره رشد می‌کنند، ما در این صندلی جایی برای یهودیان و خداترسان تراشیده‌ایم.

هر طور که می‌خواهید آن را تفسیر کنید، اجازه می‌دهم خودتان آن را انجام دهید. همانطور که گفتم، این به سرعت به پایان می‌رسد، و آنچه را که می‌خواهیم در مورد سفرهای تبلیغی اول، دوم و سوم و گسترش روزافزون آنها بگوییم، به پایان می‌رساند. ما می‌خواهیم فقط روی برخی از کلیساهای مکاشفه تمرکز کنیم.

ما با یک نقشه شروع می‌کنیم، و من کلیساهای فهرست می‌کنم و آنها را پیدا می‌کنم، و سپس به طور خلاصه از تعدادی از آنها بازدید خواهیم کرد. ما افسس، اسمیرنا و پرغاموس را داریم؛ مکاشفه ۱، فصل ۳ را بخوانید، و وقتی به آنها نگاه می‌کنید، به یاد خواهید آورد که این هفت کلیسا ویژگی‌های متفاوتی دارند. من قصد ندارم در مورد همه آنها صحبت کنم، اما به چند مورد از آنها اشاره خواهم کرد زیرا برخی از چیزهایی که در برخی از این کلیساهای یافت شده است، در واقع با آنچه یوحنا در آن سه فصل اول می‌گوید، مطابقت دارد.

خب، این نقشه ماست، فقط برای اینکه به آنها توجه کنیم، و دوباره، آسیا را به خودمان یادآوری کنیم، هلسپونت و عبور از آن را به خودمان یادآوری کنیم. این نقشه به لطف عکس‌های سرزمین مقدس، کارل راسموسن، تهیه شده است. اما ما اینجا افسس را داریم.

ما اسمیرنا، که حالا از میر، از میر امروزی است را داریم. همینطور که به اینجا جلوتر می‌رویم، پرغاموم را داریم، و قرار است کمی بیشتر در مورد پرغاموم صحبت کنیم. قبلاً در مورد افسس صحبت کرده‌ایم.

من چیز زیادی در مورد طیاتیرا نمی‌گویم. می‌خواهم توضیح بدهم و چند عکس از ساردیس نشان دهم. ما به فیلادلفیا نمی‌رویم، اما از لائودیسیا بازدید خواهیم کرد. می‌خواهم به نقشه مربوط به موقعیت لائودیسیا توجه کنید، زیرا درست در شمال لائودیسیا مکانی به نام آئروپولیس و درست در جنوب و شرق آن کولوسه قرار دارد.

فقط برای مراجعات بعدی به آن توجه کنید. عمدتاً تصاویر، اما تصاویری که کمی با آنچه در متن کتاب مقدس می‌خوانیم مرتبط باشند. اگر به تراژانیوم نگاه کنید، احتمالاً می‌گویید، اوه، این باید بعد از امپراتور تراژان باشد، و واقعاً هم همینطور است.

محوطه پرگاموم مکانی فوق‌العاده مهم بود. ضمناً، کتابخانه عظیمی هم آنجا بود. مردم فکر می‌کنند شاید ایده ساخت کاغذ پوستی از اینجا شروع شده باشد.

بنابراین، پرگاموم کتابخانه‌ای داشت که از کتابخانه افسس بسیار پیشی گرفته بود. علاوه بر تراژانیوم، ما همچنین یک آسکلپیون پیدا می‌کنیم. آیا فرقه آسکلپیوس را به خاطر دارید؟ ما در مورد فرقه آسکلپیوس و مصنوعات آن که در قلعه آنتونیا، درست در نزدیکی کوه معبد در اورشلیم یافت شد، صحبت کردیم.

بنابراین اینجا مکانی برای شفا است، و کل فرقه آسکلپیوس نیز در اینجا در پرگاموم رواج داشته است. در اینجا یکی از جالب‌ترین یافته‌های ما را مشاهده می‌کنید، زیرا برخی افراد معتقدند که این محراب زئوس، که ما فقط پایه‌های آن را می‌بینیم و از قضا درختی از آن بیرون زده است، ممکن است همان چیزی باشد که وقتی یوحنا در مورد زئوس و محراب زئوس صحبت می‌کرد، در مکاشفه فصل ۲، در رابطه با پرگاموم، به آن اشاره شد. به سرعت به سراغ ساردیس می‌رویم.

فقط دو نما از ساردیس. ساردیس، همانطور که ممکن است نقشه را به خاطر داشته باشید، در منطقه آنتولی به نوعی شمالی - غربی بود و واقعاً یک نقطه اصلی، توقفگاه بین راهی، در مسیرهایی بود که از آسیای صغیر و ترکیه، آنتولی و به سمت غرب عبور می‌کردند. بنابراین در اینجا نشانه دیگری از گروهی داریم که خود را بسیار محافظت‌شده می‌دانستند.

آنجا آکروپولیس است. می‌توانید از آن آکروپولیس بالا بروید، و انگار کاملاً تسخیرناپذیر است. در پایین، شهر بسیار بزرگ‌تری اینجا و یکی از معابدی که آنجا بود.

می‌خواهم کمی بیشتر اینجا، هیراپولیس، تمرکز کنم. شما می‌گید، هی، نه، به لحظه صبر کن. من این اسم رو از باب‌های ۱ تا ۳ مکاشفه به خاطر نیارم، و شما هم به خاطر نیارید، اما اینجا چشمه‌های آب گرم وجود داره.

در دوران باستان، اینجا یک چشمه آب گرم وجود داشت، اگر بخواهیم آن را چنین بنامیم، همانطور که از چشمه‌های آب گرم انتظار می‌رود، و در واقع می‌توانید از دور به اینها نگاه کنید و سفیدی و مواد موایی را که بالا می‌آیند ببینید. بنابراین ما اینجا نزدیک هستیم، اما به آن و به ایده چشمه‌های آب گرم بودن آنها توجه کنید، و آنها داغ هستند. حالا بیایید به لائودیسیا برویم.

همانطور که می‌بینید، ما در تئاتری در لائودیسیا هستیم که بازسازی نشده است. درست همین پشت چشمه‌های آب گرم هیراپولیس قرار دارند. این خیلی جالب است که اینجا در لائودیسیا ایستاده‌ایم.

ضمناً، لائودیسیا هم مکان نسبتاً وسیعی است، بنابراین این فقط یک پنجره کوچک از تئاتر به داخل آن است، اما همانطور که روی نقشه دیدیم، آن هم در شمال است. حالا اگر کمی به اطراف نگاه کنید و از جنوب به کوه‌ها نگاه کنید، یک قنات داریم که آب را از آن کوه‌ها به جنوب می‌آورد. اگر کوه باشند، بسته به فصل، آب خنک، آب چشمه، یا شاید تمام آب حاصل از ذوب یخ خواهد بود.

خب، حالا داری چیزهایی رو کنار هم می‌ذاری که مطمئنم وقتی داریم به محکومیت کلیسای لائودیکه فکر می‌کنیم، کنار هم می‌ذاری. تو نه داغی و نه سردی. تو ولرمی.

من شما را از دهانم بیرون می‌اندازم. اینجا این مکان درست بین چشمه‌های آب گرم شمال و این پتانسیل برای آب خنک وجود دارد. اما وقتی به لائودیسیا می‌رسد، فقط یک جورهایی آب تیره می‌شود که دلتان می‌خواهد از دهانتان بیرون بریزید.

خب، یک تئاتر کاملاً کاوش نشده این شکلی است. ما در تئاتری در کولوسی، درست در شرق و کمی جنوب لائودیکه، ایستاده‌ایم. این دو تصویر بعدی مطلقاً هیچ ارتباطی با متن کتاب مقدس ندارند، اما کمی حس تداوم چیزهای فرهنگی بسیار بسیار زیبا را به ما می‌دهند.

اینها چیزهایی بودند که طبقات بالای ما در اسرائیل، در اورشلیم در قرن اول، چیزهایی بودند که هیروود سعی داشت از نظر فرهنگی وارد کند. اینها چیزهایی بودند که همیشه برای یهودیانی که قرار بود خدا را به روشی کاملاً متفاوت پرستش کنند، وسوسه‌انگیز بودند. اما هیروود هنگام بازسازی معبد، برخی از این چیزهای معماری، و گاهی حتی چیزهای مفهومی را به دست می‌آورد. اینجا معبدی برای آپولو در مکانی به نام دیدیما است.

به اندازه عظیم آن توجه کنید. به پایه ستون‌هایی که اینجا به صورت ستونی در مقابل اندازه افراد قرار داده‌ایم توجه کنید. یک مجموعه دیگر از نماها از آن

، باز هم، ما در مورد چیزی صحبت می‌کنیم که برای غرق کردن مردم در مکانی که نمایانگر خدایانشان بود طراحی شده بود، و با این حال چقدر آن مکان‌ها خالی بودند، چقدر سقوط کرده‌اند. بنابراین، ما این را با یادآوری اینکه از اسرائیل شروع کردیم، به پایان می‌رسانیم. ما در مورد اورشلیم صحبت کردیم.

، هیروودیس کبیر نفوذ فرهنگی را به اورشلیم آورد، اما هیچ یک از آن چیزها باقی نمانده است. با این حال پادشاهی خدا ادامه دارد و رشد می‌کند. همیشه از نظر جهان‌بینی‌ها، رقابتی بین اورشلیم و آتن وجود دارد.

. این دیدگاه ما از آتن است. با این مقدمه، بحث را متوقف می‌کنیم.

، این دکتر الین فیلیپس و تدریس او در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس است. این جلسه یازدهم، آسیای صغیر و یونان است.